

چگونگی شکل‌گیری و عملکرد نهاد خانه انصاف اصفهان (۱۳۴۲-۱۳۵۷)

فریده فرزی*، ذکرااله محمدی، حسین آبادیان، یعقوب خزایی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)؛ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء؛

استاد گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)؛ استادیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: (۱۳۹۷/۰۷/۱۶) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۷/۱۱/۰۶)

Formation and Function of the *Ensaf House Institution* of Esfahan (1963-1979 AD)

Farideh Farzi, Zekrollah Mohammadi, Hossein Abadian, Yaghoub Khazaei

Ph.D. Student of Iran Post-Islamic history, Imam Khomeini International University; Associate Professor of History Department, Al-Zahra University; Professor of History Department, Imam Khomeini International University; Assistant Professor of History Department, Imam Khomeini International University

Received: (2018. 10. 08)

Accepted: (2019. 06. 21)

Abstract

After the 28th Mordad coup, The Mohammad Reza Shah decided to make reforms and such reforms were made mostly in the form of white revolution. The white revolution was realized in several steps and 19 principles and formation of the *Ensaf Houses* at the villages was proposed in the 9th principle. The formation of *Ensaf Houses* caused the establishment of a social and judicial system at the villages, thus, the study of their formation and effects on judicial systems of villages is necessary. The present study aims to investigate the formation of *Ensaf Houses* at the villages of Esfahan province since its beginning to 1357 SH and answer following questions: How did people interact with this new-established organization? How much did it succeed in solving the problems of villagers?

The present research seeks to investigate the reasons of the establishment and method of *Ensaf Houses* functions in the villages of Esfahan by the use of library and documentary resources of this period and applying a descriptive-analytical method.

The findings of this research suggest that, although this newly established institution has worked positively to overcome some of the problems, due to lack of proper monitoring of the performance of members by the supervisors, it caused other problems and its positive performance was affected.

Keywords: *Ensaf House*, village, Esfahan, judicial system, Pahlavi.

چکیده

پس از کودتای ۲۸ مرداد، محمدرضا شاه انجام اصلاحاتی را ضروری دانست که اوج آن در انقلاب سفید تداعی پیدا کرد. انقلاب سفید طی چندین مرحله و ۱۹ اصل تحقق پیدا کرد که تشکیل خانه‌های انصاف در روستاها در اصل نهم آن مطرح شد. از آنجایی که تشکیل خانه‌های انصاف باعث ایجاد یک نظام اجتماعی و قضایی در روستاهای ایران شد، لذا بررسی عملکرد آنها و تأثیری که بر نظام قضایی روستاهای کشور داشتند، مهم به نظر می‌رسد. هدف مقاله حاضر بررسی عملکرد نهاد خانه انصاف در روستاهای اصفهان از زمان اجرای طرح تا سال ۱۳۵۷ش است و در این راستا به سؤال‌های زیر پاسخ می‌دهد: ۱. تعامل مردم با این نهاد تازه تأسیس چگونه بود؟ ۲. خانه انصاف تا چه اندازه در رفع مشکلات روستائیان موفق عمل کرد؟

پژوهش پیش رو درصدد است تا با استفاده از منابع تاریخی و اسنادی این دوره، با به‌کارگیری رویکرد توصیفی - تحلیلی، چرایی و چگونگی تأسیس نهاد خانه انصاف را در روستاهای اصفهان بررسی کند.

دستاوردهای پژوهش حاکی از آن است که هرچند این نهاد تازه تأسیس در رفع پاره‌ای از مشکلات مؤثر عمل کرد، اما به دلیل عدم نظارت دقیق بر عملکرد اعضاء از سوی ناظران، خود منشأ مشکلات دیگری شد و کارکرد مثبت آن تحت تأثیر قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: خانه انصاف، روستا، اصفهان، نظام قضایی، پهلوی.

* Corresponding Author: farzi.farideh@yahoo.com

zkhammadadi@yahoo.com

hoabadian@yahoo.com

y.khazaei@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

نظام قضایی ایران از دیرباز بر دوگانگی شرع و عرف مبتنی بوده است. این ساختار دوگانه، به موازات یکدیگر تداوم یافته و گاهی یکی بر دیگری غلبه داشته است. این وضعیت تا پیش از انقلاب مشروطه کماکان تداوم یافت و نظام قضایی و دستگاه عدلیه نیز مانند سایر بخش‌های اداری و اجرایی دولت، به شکل سنتی به حیات خود ادامه داد. در قرن ۱۳ق/م، بر اثر ظهور و بروز تحولات جدید در عرصه بین‌المللی و آشنایی ایرانیان با دنیای غرب، آنان به ناکارآمدی ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اداری ایران و لزوم بازنگری و بازسازی آن به صورت بنیادی پی بردند که نظام قضایی و تشکیلات عدلیه هم نه تنها از این قاعده مستثنی نبود، بلکه در اولویت ناکارآمدی و ضرورت دگرگونی قرار داشت. شعارها و آرمان‌های عدالت‌خواهی، قانون اساسی و تشکیل عدالت‌خانه در آغاز مشروطه، همه مؤید این مدعاست که: انقلاب سازوکار و فضای دیگری را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و در بخش اجرایی، ولو به صورت نظری، ایجاد کرد که ساختار قضایی را هم شامل می‌شد. متمم قانون اساسی اصل تفکیک قوا و شکل‌گیری دستگاه جدید قضایی را مورد توجه قرار داد و در این زمینه انجام اصلاحات را ضروری دانست. متمم قانون اساسی مشروطیت، طی اصولی چندگانه، اساس و چارچوب کلی تشکیلات قضایی را تبیین نمود و شالوده سازمان قضایی کشور را پی‌ریزی کرد؛ به طوری که براساس آن قوه قضائیه، به عنوان بخشی از سازمان حکومت، مستقل از سایر قوا، وظایف و تکالیف خود را انجام می‌داد. این شیوه تا سقوط حکومت قاجار، علی‌رغم مشکلات بسیار، ادامه یافت. بعد از روی کار آمدن

رضاشاه، نیاز به نوسازی در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی و اداری احساس شد و رضاشاه بسیار مایل بود تا این جریان نوگرایی به سبک و سیاق کشورهای اروپایی انجام گیرد. در همین زمان بود که در قلمرو دادگستری و امور قضایی نیز تحولات شایان توجهی ایجاد گردید، به این ترتیب که در بهمن ماه ۱۳۰۵، علی اکبر داور، وزیر وقت عدلیه، تشکیلات عدلیه را منحل و در اردیبهشت ۱۳۰۶ سازمان جدید محاکم را اعلام کرد. این تحولات، علاوه بر نوسازی ساختارهای کهن اداری، تمرکز بخشیدن به دستگاه‌های اداری و اجرایی و ایجاد حاکمیت قانون، باعث شد تا نظام قضایی ایران با حاشیه قرار دادن حاکمیت شرع و کنارگذاشتن علمای دین، به سمت عرفی کردن نظام قضایی پیش برود. علی‌رغم انجام اصلاحات مهم این دوره، تشکیلات عدلیه هنوز هم نواقصی داشت. پس از عزل رضاشاه، طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، نوعی فضای باز سیاسی در ایران ایجاد شد که تأثیر این فضا بر قوه قضائیه و نهاد دادگستری نیز مشهود بود. در این دوران اقداماتی از قبیل: استرداد املاک غصب شده به وسیله رضاشاه و واگذاری این املاک به صاحبانشان، محاکمه عمال رضاشاه و... انجام گرفت که نشان از استقلال نهاد دادگستری ایران در عصر پهلوی داشت؛ اما در همین زمان (سال ۱۳۲۷)، با افزایش اختیارات دادگاه‌های نظامی، از اختیارات دادگاه‌های مدنی و عادی کاسته شد. در دولت دکتر محمد مصدق نیز اصلاحات به نتیجه مطلوبی نرسید. از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ نیز نهاد دادگستری، با تغییرات اندکی، به همان شکل سابق به حیات خود ادامه داد.

تشکیل ساواک به عنوان مهم‌ترین ارگان

دیگر منابع این گروه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: *انقلاب سفید شاهنشاه* (شرح لوایح شش‌گانه)، اثر محمود بنی‌هاشم؛ *حماسه جاویدان*، از شمس‌الملوک مصاحب؛ *انقلاب شاه و ملت از دیدگاه فلسفی*، اثر محمد کاظمی؛ و *انقلاب سفید در سیمای میهن*، از ابوالقاسم رحمانی. وجه تشابه همه این آثار تمجید از اصول شش‌گانه انقلاب سفید است و هیچ توضیحی در مورد اصول دیگر، من جمله اصل نهم، در این منابع ارائه نشده است. بنابراین در بررسی این آثار، جز تکرار مطالب و نوشته‌ها، اظهار نظری متفاوت و جدید دیده نمی‌شود. در مقالات «خانه انصاف»، از مهدی شهلا؛ «طلیعه خانه انصاف»، از علی‌اصغر شریف؛ و «خانه انصاف»، از خسرو گیتی هم بیشتر مواد و تبصره‌های قانونی ارائه شده است. مشکل این چنین آثار آن است که رویکرد تاریخی ندارند و صرفاً جنبه حقوقی و قضایی آنها بارزتر است.

۲. تألیفاتی که با فاصله زمانی بیشتری از زمان اجرای طرح انقلاب سفید تألیف شده‌اند، از جمله: مقاله «بررسی تطبیقی نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب» از محمدرضا حافظ‌نیا و اسماعیل پارسایی. در این نوشته بعد حقوقی و جغرافیایی بیشتر مد نظر نویسندگان بوده است و از منابع تاریخی و اسنادی چندان بهره نگرفته‌اند. کتاب *تحول نظام قضایی ایران* در دو جلد تألیف محمد زرنگ و نظام قضایی ایران عصر قاجار و پهلوی اثر ویلم فلور که در این آثار ارزشمند نیز در مورد خانه انصاف و تأثیر آن بر نظام قضایی مطلب جدیدی به دست نمی‌دهند. بنابراین می‌توان گفت که تا کنون پژوهش‌های جامعی که با نگاه تاریخی به بررسی اسناد آرشیوی و تبیین چرایی و چگونگی عملکرد این نهاد تازه تأسیس اقدام کند،

اطلاعاتی و امنیتی کشور و احیای کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳، به استقلال دادگستری و قوه قضائیه لطمه وارد کرد و تا حد زیادی از اعتبار آن کاست. آخرین نقطه عطف در تاریخ محاکم قضایی ایران در دوره پنجاه و چهارساله سلطنت خاندان پهلوی را می‌توان اصل نهم انقلاب شاه و مردم دانست، که در بهمن ماه سال ۱۳۴۲، ابتدا به طور آزمایشی در برخی مناطق، و سپس در کل کشور به اجرا گذاشته شد.

۲. پیشینه تحقیق

در موضوع مقاله حاضر تا کنون پژوهشی منسجم و مستقل که به بررسی چگونگی شکل‌گیری و عملکرد نهاد خانه انصاف در استان اصفهان پردازد، انجام نشده است. در بررسی منابع و مآخذ کار تقسیم‌بندی به این شیوه است:

۱. منابع عصر پهلوی: شامل کتاب‌ها و مقالات می‌باشند، در این منابع مطالب پراکنده‌ای به صورت توصیفی در زمان اجرای طرح توسط نویسندگان در مجلات و روزنامه‌های عصر پهلوی به چاپ رسیده است، اما در این آثار بیشتر از اهمیت انقلاب سفید، لزوم انجام آن از دیدگاه حکومت و تلاش حکومت برای نشان دادن یک انقلاب مردمی بحث شده است. به گونه‌ای که متن تمام نوشته‌ها با متن کتاب *انقلاب سفید*، نوشته محمدرضا پهلوی که در توجیه دلایل انقلاب سفید نوشته، یکسان و نوعی رونویسی غیرعلمی از آن است. محمدرضا شاه در کتاب پاسخ به تاریخ نیز، بر اهمیت تأسیس خانه‌های انصاف تأکید کرده و به بیان نکاتی درباره حل و فصل امور به شیوه کدخدامنشی، رسیدگی سریع به مشکلات مردم و آسان بودن موارد دادرسی پرداخته است. از

انجام نگرفته است. این مقاله در تلاش است تا به اهمیت این نهاد تازه تأسیس در روستاهای ایران اشاره کند و در نهایت دلایل ناکارآمدی آن را تشریح نماید.

۳. اهمیت پژوهش

نکته حائز اهمیت دیگر این است که چرا استان اصفهان به عنوان مورد مطالعاتی انتخاب شده است؟ زیرا در بررسی اسنادی آرشیوهای استانی در رابطه با موضوع خانه انصاف، استان اصفهان به چند دلیل از اهمیت بسیاری برخوردار است: ۱. اولین نهاد خانه انصاف در روستای مهیار اصفهان تأسیس شده، اما در هیچ منبع و سندی دلیل این اقدام ذکر نشده است؛ ۲. اسناد آرشیو اصفهان به نسبت آرشیوهای استانی دیگر، گویای مسائل و مشکلات بسیاری است که روستاییان با آن مواجه بوده‌اند؛ ۳. برخلاف برخی آرشیوهای استانی که فقط نامه‌های اداری مربوط به انتخاب اعضاء و چرخش امور اداری را شامل می‌شود، حجم زیادی از این اسناد منعکس کننده مشکلات روستاییان در رابطه با نهاد خانه انصاف و کارکرد نادرست آن است؛ بنابراین تلاش نویسندگان بر آن است تا معضلات روستاییان اصفهان و کارکرد نادرست خانه انصاف در این آرشیو اسنادی مهم، که تا کنون در هیچ منبع و مأخذ مطالعاتی تبیین نشده است، را بیان کنند. در بررسی اسنادی آرشیو اصفهان، در رابطه با موضوع خانه انصاف، مجموعاً ۶۲۸ برگ سند شامل ۲۵ فایل رؤیت شد. از این تعداد ۵۰۷ برگ جهت تبیین کارکردهای این نهاد تازه تأسیس در استان اصفهان انتخاب شد که از آنها ۱۸۶ برگ مربوط به انتخابات خانه انصاف در بخش‌ها، روستاها، هماهنگی‌های

اداری و تأیید اعضای انتخابی است و حدود ۳۱۲ برگ مربوط به عرایض روستاییان در ناکارآمدی نهاد فوق‌الذکر؛ بنابراین می‌توان گفت که حدود ۶۳ درصد از اسناد این آرشیو، راجع به شکایات، ناکارآمدی و عدم همدلی مردم با این نهاد است، که هدف آن به ظاهر رسیدگی به مشکلات قضایی و رفاه روستاییان می‌باشد.

۴. ویژگی‌های نظام قضایی ایران در دوره قاجار و

پهلوی

آقا محمدخان، مؤسس سلسله قاجار، هم به دلیل کوتاهی مدت زمامداری و هم پرداختن به لشکرکشی‌های پی‌درپی، مجالی برای انسجام امور کشور و ایجاد اصلاحات، به‌ویژه در زمینه نظام قضایی، نیافت. دوران حکومت فتحعلی‌شاه، در بُعد خارجی، به دلیل افزایش نفوذ بیگانگان در امور کشور، شکست ایران در جنگ با روسیه و اعطای امتیاز کاپیتولاسیون، حاکمیت و استقلال کشور نقض شد و در بُعد داخلی شاه همچنان در رأس دستگاه قضایی بود و بر جان و مال مردم سیطره داشت و قدرت و اختیارات شاه تابع هیچ قاعده و قانون مشخصی نبود، حتی

گاهی اوقات پناه بردن و بست نشینی به شخص شاه و افراد مورد علاقه او یکی از شیوه‌های تظلم و دادخواهی بود و حتی بست نشستن و پناه بردن به طویله شاه و شاهزادگان یک امر رایج بود (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۱: ۳، ۲۶۸).

و شاه، عالی‌ترین محکمه عرف و در حکم مرجع پژوهش از سایر محاکم بود. در این دوره هم، مانند ادوار گذشته، دعاوی به دو بخش عرفی و شرعی تقسیم می‌شد، اما در عمل مرز مشخصی بین آنها

آنان بود (کرزن، ۱۳۸۷: ۱/ ۵۹۰).

محکمه یا محضر شرع نیز تحت ریاست فقها و مجتهدین اداره می‌شد. آنها به عنوان نماینده مراجع تقلید و با تأیید مراجع انتخاب می‌شدند؛ با این وجود قاضی شرع در هر منطقه، با عنوان شیخ الاسلام، به وسیله شخص شاه انتخاب می‌شد و قضات شرع در شهرهای بزرگ زیر نظر او انجام وظیفه می‌کردند، اما در شهرهای کوچک یک روحانی محلی به قضاوت می‌پرداخت. رسیدگی به دعاوی شرعی، برحسب درجه اهمیت به روحانی محلی و در موارد بسیار مهم به محضر مجتهدین واگذار می‌شد. همچنین رسیدگی به دعاوی حقوقی و جرایم مذهبی در صلاحیت محکمه شرع قرار داشت و در محاکم شرع قوانین بر طبق احکام و مقررات اسلامی بود. احکام صادره از دادگاه‌های شرع را مأمورین دولت اجرا می‌کردند و ارجاع نهایی آن به محکمه عرف لازم بود (کرزن، ۱۳۸۷: ۵۹۰).

در دوره ناصرالدین‌شاه آشنایی ایرانیان با افکار و تمدن جدید، در نتیجه ارتباط با غرب، گسترش یافت. ناصرالدین‌شاه هم در زمره علاقه‌مندان به تجدد و نوگرایی بود، اما فشار رجال سنتی باعث شده بود تا از تأسیس نهادهای جدید و ایجاد عدلیه نوین هراس داشته باشد. او پس از برکناری میرزا آقاخان نوری از صدارت، در سال ۱۲۷۵ق/ ۱۸۵۸م، برای نخستین بار، دارالشورای دولتی تشکیل داد و جعفرخان مشیرالدوله را به ریاست آن منصوب کرد. در دارالشورا چند وزارتخانه از جمله وزارت عدلیه تشکیل و عباس‌قلی‌خان معتمدالدوله جوانشیر، به‌عنوان نخستین وزیر دادگستری ایران، منصوب شد؛ اما این مقام تشریفاتی بود و اختیار تدوین لوایح و تصویب قوانین را نداشت. از سوی دیگر قوانین عرفی هم هنوز تحت

وجود نداشت و صلاحیت آنها نیز متمایز از یکدیگر نبود. در تأیید این نظر می‌توان به گزارش سرجان ملکم که در عهد فتحعلی‌شاه به ایران آمد، استناد کرد:

حدود صلاحیت محاکم شرع و عرف در ایران کاملاً مشخص نیست، پادشاه و وزیران نمی‌خواهند حدود مزبور معلوم باشد، زیرا ابهام و اجمال آن سبب افزایش اقتدارات ایشان است (ملکم، ۱۳۶۲: ۲/ ۲۲۷).

طی این دوره، بیشترین اصلاحات متوجه محکمه عرف یا دیوان‌خانه شد. در دوره فتحعلی‌شاه بود که دیوان‌خانه ایجاد شد و رئیس آن صدر دیوان‌خانه نام گرفت. این نوع محکمه قضایی سه نفر عضو غیرروحانی و یک عضو روحانی داشت. بعدها در دوره حکومت محمدشاه و صدارت میرزا ابوالقاسم قائم مقام، یک دیوان عدالت تأسیس شد که رئیس آن را امیر دیوان می‌نامیدند (ورهرام، ۱۳۶۷: ۳۴۵). در این محکمه، عزل و نصب قضات بر عهده شاه بود و ریاست این محاکم را مقامات رسمی دولت بر عهده داشتند. در ایالات و ولایات وظیفه دیوان‌خانه بر عهده حکام و کارگزاران حکومتی بود. حکام ولایات می‌توانستند بخشی از اختیارات قضایی خود را به بعضی مقامات محلی، به عنوان حاکم عرف، واگذار کنند (همان: ۳۴۸). نحوه قضاوت در دادگاه‌های عرفی براساس عرف و عادت و احکام و مقررات شرع بود. این امر سبب می‌شد که در نقاط مختلف کشور، قضات در دعاوی مشابه آراء بسیار متفاوت صادر کنند و چون قضات متن قانونی واحدی در اختیار نداشتند، براساس سلیقه و برداشت شخصی خود قضاوت می‌کردند و تنها ملاکی که ضامن قضاوت عادلانه و منصفانه بود، وجدان پاک و راستی عمل

هیچ ماده قانونی و نظام حقوقی مدونی در کشور وجود نداشت (مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۳۴۰ق: ۱۸۵). این تلاش‌ها به قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و محاکم صلحیه منجر شد که در ۲۸ شوال ۱۲۸۸ در دستور کار مجلس دوم قرار گرفت و در ۲۱ رجب ۱۲۲۹ تصویب شد. در این قانون به ظاهر شرع و عرف از هم تفکیک شده‌اند. به این ترتیب در محاکم صلحیه، امین صلح و حاکم صلح که فقیه بود، به مرافعات رسیدگی می‌کردند. به این ترتیب جایگاه حاکم شرع در محاکم عرفی یا ابتدایی نمایان می‌شد. عدلیه نیز دعاوی شرعی را به محضرهای شرعی، اتاق‌های حقوقی به دعاوی حقوقی و اتاق‌های جزایی به دعاوی جزایی به دعاوی جزایی رسیدگی می‌کردند (مجموعه مصوبات دوره اول و دوم قانونگذاری، ۴۰). در محاکم استیناف هم صرفاً احکام و قرارهای محاکم ابتدایی در امور حقوقی و جزایی و تجاری مورد بحث قرار می‌گرفت (همان: ۴۱۲-۴۱۳). براساس این قوانین مصوب، محاضر شرعی مراجع رسمی محاکم عدلیه به شمار می‌رفت تا احکام صادره از آنها را اجرا کند. به این ترتیب محاضر شرعی تحت نظارت عدلیه قرار گرفتند و از قدرت قانونی بیشتری برخوردار شدند.

علی‌رغم تمهیدات و قیود قانون اساسی مشروطیت و متمم آن در باب قوه قضائیه و اصلاحاتی که پس از مشروطیت در این حوزه انجام گرفت، اما تا تشکیل یک عدلیه مدرن و کارآمد، منطبق با معیارها و موازینی که قانون اساسی پیش‌بینی کرده بود و مقتضی اوضاع و احوال جامعه جدید ایران و مورد توقع و تصور مردم و آرمان‌های عدالت‌خواهانه آنان بود، فاصله داشت و همراه و همسو با دیگر بخش‌های اداری و اجرایی، دگرگونی

نفوذ فقه و شرع بود و قضاوت در حیطه این قوانین بر عهده روحانیون بود (طباطبایی، ۱۳۵۰: ۵۶). این نظام قضایی، در اواخر عصر ناصری و پس از قتل او، دیگر جویبگوی نیازهای اجتماعی، اقتصادی و تحولات سیاسی و فرهنگی جامعه ایران نبود، زیرا این شیوه دادرسی از دوره صفوی تا زمان مورد بحث تغییر چندانی نداشت و امور به شکلی غیرمنظم به دست رؤسای عشایر، ریش سفیدان، کدخداها و در مواردی عالمان دینی انجام می‌شد. بنابراین مردم در نظام قضایی به دنبال تغییراتی بودند که حقوق آنان را در برابر حکام تأمین نماید. به نظر می‌رسد که تأکید اصلاح‌طلبان شهرنشین ایرانی بر تأسیس عدالت‌خانه، در جریان انقلاب مشروطه، نشان از اهمیت بسیار زیاد امنیت قضایی برای مردم و نارضایتی آنان از عدم عدالت قضایی بود (امین، ۱۳۸۲: ۲).

پس از انقلاب مشروطه و تأسیس مجلس شورای ملی، تدوین قوانین مربوط به عدلیه اهمیت ویژه‌ای یافت؛ اما در مجلس دوره اول، به دلیل مشکلاتی که جهت وضع قوانین حقوقی وجود داشت، قانونی در خصوص عدلیه به تصویب نرسید. در مجلس دوره دوم، به ابتکار میرزا حسن مشیرالدوله (پیرنیا)، وزیر وقت عدلیه، مقرر گردید که قوانین مربوط به عدلیه، پس از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی، قوت اجرایی بیابد. اولین قانونی که بدین ترتیب تصویب شد، قانون اصول تشکیلات عدلیه بود که تحول عظیمی در سازمان کهنه و فرسوده محاکم ایجاد کرد و عدلیه ایران دارای درجات محاکم صلح، ابتدایی، استیناف و دیوان تمیز گردید (امین، ۱۳۸۲: ۸۹). مهم‌ترین تحول در مجلس دوم زمانی اتفاق افتاد که میرزا حسن خان مشیرالدوله پیرنیا و سید حسن مدرس قوانین عدلیه را تنظیم کردند. تا این زمان

وزیران رسید و تعداد محدودی خانه انصاف ایجاد شد. در سال ۱۳۴۴ قانون تشکیل خانه‌های انصاف به تصویب مجلس شورای ملی و سنا رسید. به این ترتیب دستگاه قضایی متصدی یکی از اصول مهم انقلاب سفید گردید (مجله حقوقی مردم، ۱۳۵۱: ۱۴). اما اولین خانه انصاف به صورت آزمایشی در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۲، در روستای مهیار اصفهان افتتاح شد. از آن پس، روز ۲۱ مهرماه به روز خانه‌های انصاف نامگذاری شد و هر سال در این روز مراسمی برپا می‌شد (رحمانی، ۱۳۴۶: ۲۷۸). در حالی که در کتاب چشم‌انداز پادشاه تأسیس اولین خانه انصاف در روستای گورت، نزدیک اصفهان، و در سال ۱۳۴۱ آمده است (دنمن، ۲۵۳۵: ۳۸۶).

یکی از قضات عالی‌رتبه وزارت دادگستری در مورد تشکیل خانه‌های انصاف در روستاهای اصفهان می‌نویسد:

مرحله مطالعه نسبت به حدود امکانات روستاهای استان دهم برای تشکیل و آغاز فعالیت خانه‌های انصاف در قریب ۲ هزار قریه از قراء استان دهم پایان یافت و با شروع انتخابات، کار تشکیل این واحد قضایی وارد مرحله نوینی می‌شود (راه نجات، ۱۳۴۲: ۲۱ آبان).

بنابراین اصفهان آغازکننده طرح خانه‌های انصاف نام گرفت. برخی حامیان این طرح معتقدند که: اصل نهم منشور انقلاب شاه و ملت، با تشکیل خانه‌های انصاف و شورای داوری، عدالت را به روستاها و مناطق روستایی رسانیده، چنان‌که اجرای عدالت را از صورت پیچیده‌ای که در غالب موارد زائد و غیرضروری بود، خارج ساخت و امکان احقاق حقوق مردم دورافتاده را، با سرعت و به سادگی، در دسترس آنها گذاشت (بدیع، بی‌تا: ۶۴). در عصر پهلوی

اساسی را می‌طلبید؛ تا اینکه در دوره علی‌اکبر داور تحولی بنیادین در این زمینه صورت گرفت که همه ابعاد دستگاه قضایی را تحت الشعاع قرار داد، اما باز هم نواقصی در این سیستم قابل مشاهده بود (فلور، ۱۳۹۰: ۲). طی دوره حکومت محمدرضاشاه در نظام قضایی کشور تحولات مهمی ایجاد شد که بر عملکرد آن تأثیرگذار بود. از جمله این موارد می‌توان به تشکیل سازمان امنیتی ساواک و احیای قانون کاپیتولاسیون اشاره کرد که هر دو این موارد باعث ضعف سیستم قضایی و دخالت روزافزون شاه در این حوزه شد. اما در دهه سوم حکومت محمدرضاشاه، تحت تأثیر حوادث بین‌المللی، رفراندومی تحت عنوان «انقلاب شاه و مردم»، در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۴۱، انجام شد که حاوی اصول متعدد بود. انقلاب در ابتدا دارای اصول شش‌گانه بود، اما به تدریج اصول دیگر به آن اضافه شد و در نهایت با افزودن ۱۳ اصل دیگر تکمیل شد (پهلوی، ۱۳۷۹: ۹۳). یکی از مهم‌ترین اصول آن که جایگاه آن در تحقیقات تاریخی مغفول مانده، اصل نهم و با عنوان «خانه انصاف» است.

۵. تشکیل خانه‌های انصاف

با تصویب لوایح شش‌گانه در رفراندوم ۶ بهمن ۱۳۴۱ موجی از تبلیغات درباره انقلاب سفید به راه افتاد. تصویب لوایح، تکمیل‌کننده مشروطیت و نویدبخش آینده‌ای درخشان معرفی شد. اسدالله علم، نخست‌وزیر وقت، با صدور بخشنامه‌ای اعلام کرد لوایح شش‌گانه، قانون اساسی جدید ایران است (کیهان، ۱۳۴۱: ۴). از این زمان بود که موج اقدامات انقلابی دامنگیر دادگستری نیز شد. نخست‌لایحه قانونی تشکیل خانه‌های انصاف به تصویب هیئت

خانه انصاف، به منظور کشانیدن روستاییان به میدان دخالت در سرنوشت قضایی خود، در روستاها به وجود آمد و اختلافات روستاییان را به همان روش‌هایی که مدت‌ها در روستا متداول بود، فیصله می‌داد (مهدوی، ۱۳۷۷: ۹۱). اما مهم‌تر از آن الغای رژیم ارباب و رعیتی و لزوم حمایت از حقوق دهقانان، توسعه تشکیلات دادگستری را در دهات و روستاها ایجاب می‌نمود (بنی‌هاشم، ۱۳۴۳: ۲۷). به دلیل اینکه مراجعه به دادگاه‌های رسمی و قانونی به هیچ وجه برای دهقان تنگ‌دست امکان نداشت، وی نه فقط قدرت مالی پرداخت هزینه‌های دادرسی را نداشت، بلکه اصولاً نسبت به این‌گونه امور آشنایی نداشت؛ لاجرم به سراغ احقاق حق خود از راه توسل به زور می‌رفت. اگر در جهت رفع مشکلات روستاییان از طریق دادگاه‌های محلی اقدام نمی‌شد، مزایا و فواید اصلاحات ارضی بر اثر مناقشات و سوء تفاهات و اغتشاشات روبه زوال می‌گذاشت (دمن، ۲۵۳۵: ۳۸۴). در تأیید این مدعا، لمبتون هم در کتاب *اصلاحات ارضی می‌نویسد:*

در سال ۱۳۴۲، برای رسیدگی و حل اختلافات جزئی روستاییان در روستاها، خانه انصاف یا دادگاه محلی تشکیل شد. برپایی چنین محکمه‌هایی به نفع زارعان بود و آنان را از رفتن به شهر که متضمن صرف هزینه و وقت بود، بازمی‌داشت. ولی این دادگاه‌ها گاه نیز تأثیر تفرقه‌افکنانه‌ای در روستا داشت (لمبتون، ۱۳۹۴: ۳۰۷).

لمبتون، همچنین در جای دیگری، به رضایت روستاییان از این جریان، به دلیل رسیدگی سریع این خانه‌ها به دعاویشان، اشاره کرده است (همان: ۳۱۸). ذکر این نکته نیز شایان توجه است که این خانه اختیاراتی محدود در حل و فصل دعاوی حقوقی

الغای رژیم ارباب رعیتی و لزوم حمایت از حقوق دهقانان، توسعه تشکیلات دادگستری را در روستاها ایجاب می‌کرد، اما به دلیل کم بودن جمعیت روستا و سادگی نوع دعاوی و امکان رفع آنها به وسیله بزرگان و ریش سفیدان روستا، طرح خانه انصاف به مرحله اجرا گذاشته شد (بنی‌هاشم، ۱۳۴۳: ۲۷).

خانه انصاف یک دادگستری روستایی است، قضات این دادگستری پنج نفر از معتمدان و ریش سفیدان ده هستند که به ترتیب خاص، با نظارت دادگاه‌های بخش دادگستری، از طرف مردم دهات برای مدت سه سال انتخاب می‌شدند و ایجاد عدالت و آرامش در دهات بدون تشریفات و به طور مجانی به آنها واگذار می‌گردد. افراد سپاه دانش به نام منشی خانه انصاف با بی‌طرفی و دانش و علاقه تمام، مأمور تشکیل پرونده‌های مقدماتی می‌باشند (پهلوی، ۱۳۵۴: ۱۷۱؛ همچنین بنی‌هاشم، ۱۳۴۳: ۲۷؛ حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۶). محمدرضا شاه در کتاب *انقلاب سفید*، در تشریح اهمیت خانه‌های انصاف می‌نویسد:

ما برای اصل نهم انقلاب ایران کوشیدیم تا در درجه اول این وضع را به کلی تعدیل کنیم، یعنی طبقه روستایی و کشاورز کشور را به اندازه هر طبقه دیگری از نعمت عدالت بهره‌مند سازیم و برای این کار از منطقی‌ترین راه‌ها اقدام کردیم، یعنی به جای اینکه روستایی را برای احقاق حق خویش به شهرها و احیاناً به پایتخت بکشانیم؛ عدالت را به نزد او در روستای او بردیم. ما در این راه براساس عالی‌ترین سنن تمدن ایرانی و اسلامی عمل کردیم. البته شاید هیچ‌وقت در اجتماع ایران اجرای عدالت بدین صورت که ما آن را از محروم‌ترین طبقات و از دورترین روستاهای کشور آغاز کردیم، انجام نگرفته بود، ولی به هر حال اصل اجرای عدالت از اصول عالیه حکومت و جامعه ایرانی بوده و مایه سربلندی ماست... (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۶۲).

توسط گاو یا گوسفند غیر، نیز اختلاف دو کشاورز بر سر مرز یک کشتزار. در نتیجه به دلیل نبودن یک مرجع قانونی و بی‌طرف در محل و مداخله دیگران در آن تبدیل به نزاع‌های جمعی، قتل و تخریب اموال یکدیگر می‌شد و آثار زیان‌بار بسیاری در برداشت (حسینی جیلانی، ۱۳۶۲: ۱۴؛ شهلا، بی‌تا: ۸).

کندی جریان مرافعات در دادگستری: به صورتی که اغلب اصحاب دعوی، که از طولانی بودن جریان دادرسی مستأصل می‌شدند، ناگزیر از ادامه دعوی صرف‌نظر می‌کردند. از عوامل اساسی این بطئی بودن جریان، یکی تراکم پرونده‌های بی‌اهمیت، چه در سطح شهر و چه در روستاها، در دادگستری بود. تشریفات دادرسی پرونده‌ای که فرضاً مابه‌الاختلاف دعوی در آن یک‌هزار ریال بود و یا اساس آن را نزاع مختصری بین چند کشاورز، بر سر یک مسئله کوچک محلی تشکیل می‌داد، همان‌قدر وقت و نیروی کار دستگاه قضایی را به خود جذب می‌کرد که رسیدگی به یک پرونده مهم و اساسی حقوقی یا جنایی (کاظمی، ۱۳۵۱: ۱۹۸).

بی‌سوادی یا کم‌سوادی روستاییان: بی‌سوادی بسیاری از روستاییان و عدم آگاهی آنان از شیوه کارهای اداری و قضایی و عدم آشنایی به زبان قضایی و نداشتن استطاعت مالی لازم برای استفاده از خدمات وکلای دادگستری، همیشه این امکان وجود داشت که طرفین دعوی به حقوق واقعی خویش نرسند. در بسیاری موارد روستاییان ناگزیر مرافعه خویش را نزد مالک روستا می‌بردند و از او احقاق حق می‌کردند (کاظمی، ۱۳۵۱: ۱۹۹). در چنین شرایطی بود که یکی از اصول دوازده‌گانه انقلاب سفید، تأسیس نهاد خانه انصاف، جهت رسیدگی به اختلافات و حل مشکلات روستاییان برآمد.

داشت و بیشتر مشکلات روستاییان را به همان شیوه‌هایی که از مدت‌ها پیش در روستاها متداول بود، فیصله می‌داند (مهدوی، ۱۳۷۷: ۹۱؛ صادق نوبری، بی‌تا: ۵).

۶. لزوم ایجاد نهاد دادرسی در روستاها

وزارت عدلیه، که مسئول نظارت بر عملکرد صحیح محاکم عدلیه بود، علی‌رغم سبک و سیاق جدیدش به همان طریق اسلاف پیش از مشروطه خود عمل می‌کرد، یعنی تیول شخصی دست‌اندرکاران آن بود. لذا وزیر عدلیه وزارتخانه را وسیله‌ای برای بهبود موقعیت سیاسی و مالی خود کرده بود و با پیشکش کردن مشاغل و التفات به دیگران، درصدد دستیابی به این هدف بود. حق‌الزحمه مشاغلی که افراد نامزد دریافت آن بودند، چندان زیاد نبود و وزارت عدلیه بودجه اندکی داشت که صرف پرداخت حقوق کارمندان وزارتخانه و محاکم می‌شد. سوی دیگر محاکم عدلیه نه تنها در شهرها به طور کامل راه نیافت، بلکه در روستاها هم بسیار غیرقابل دسترس شده بود (فلور، ۱۳۹۰: ۵۹).

علاوه بر مشکلاتی که در دستگاه عدلیه وجود داشت و بر کارکرد مثبت آن تأثیر می‌گذاشت، ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیری که بر روستاهای ایران حاکم بود نیز عامل ایجاد خانه انصاف بود، از جمله:

پراکندگی روستاها و سادگی دعاوی: محدودیت تعداد دادگاه‌ها و عدم مطابقت پاره‌ای از قوانین به وضع و مقتضیات زندگی روستاها باعث شده بود تا روستاییان، نسبت به مناطق شهری، از نعمت عدالت بی‌بهره باشند. دلیل دیگر سادگی اختلافات روستاییان بود مانند: تجاوز یک زارع به نوبت آب دیگری، چریده شدن مقارن از محصول یک همسایه

۷. نحوه دادرسی در خانه انصاف

محمدرضا پهلوی نظر خود را درباره خانه‌های انصاف، در کتاب *انقلاب سفید*، این‌گونه بیان کرده است:

...نکته جالب توجه نوع آرای است که در خانه‌های انصاف صادر می‌شود. این آراء، به طوری که کارشناسان فن اظهار می‌دارند، عادتاً به قدری مستدل و عادلانه و منطقی و در عین حال منطبق با اصول قضایی و به اصطلاح قاضی پسند است که صدور آنها از طرف یک عده اشخاص ساده روستایی واقعا ایجاد اعجاب و احترام می‌کند (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۷۱).

اهمیت این نهاد در حل اختلافات از این نظر بود که در هنگام صدور رأی، در ابتدا از مرسوم عرف محل و بعد از سوابق و آراء گذشته استفاده می‌شد. همین مرسوم و عرف محل بود که مأخذ صحت و سقم ادعای طرفین قرار می‌گرفت و البته با موازین قانونی نیز تطبیق داده می‌شد (دمن، ۲۵۳۵: ۳۸۷).

بانیان و مبلغان خانه انصاف، عدالت رایگان و بدون تشریفات، دادرسی ساده و سریع، و قضاوت ملی و مردمی را از جمله خصوصیات این تشکیلات می‌دانستند به این معنی که قوانین و آیین‌نامه‌های آن چنان تنظیم شد که دادرسی با کمال سهولت و در نهایت اختصار، بدون تشریفات زائد و مخارج بیهوده، در سطح دهات انجام شود و عدالت با سرعت و قاطعیت هر چه تمام‌تر بر روستاییان حکومت کند. بر این اساس، اولاً قرار بود که دادرسان خانه انصاف نه از طرف دولت بلکه از جانب اهالی روستا و با رأی خود آنان انتخاب گردند و دادرسی در این خانه‌ها مجانی باشد و هیچ نوع هزینه‌ای به اصحاب دعوا تحمیل نکند. اعضای

خانه‌های انصاف، به هر ترتیبی که مقتضی بدانند، امر فراخواندن اصحاب دعوی و استماع اظهارات و استدلالات آنان و شهود و انجام معاینات محلی تحت نظر کارشناس را انجام می‌دهند و حتی المقدور کوشش می‌کنند بین آنان صلح و سازش برقرار کنند (مجله قضایی، ۱۳۴۷: ۱۶).

۸. تشکیلات خانه انصاف اصفهان

در انتخابات دور دوم خانه انصاف شاه روستای بخش لردگان شهرستان بروجن، ۶ نفر اول که اکثریت آراء را کسب کردند، به ترتیب: ۵۰ سال، ۵۰ سال، ۴۱ سال، ۶۳ سال و ۴۷ ساله بودند (ساکما، ۰۰۱۳-۲۴۷۳۷-۲۹۳-۹۷). با بررسی این بخش از اسناد می‌توان گفت که در انتخاب اعضا مسئله شیخوخیت و کدخداهنشی افراد بسیار مهم بوده است؛ زیرا اغلب افرادی که سن کمتری داشتند، از جانب اهالی روستا حد نصاب لازم را کسب نمی‌کردند (جدول ش ۱).

روستای مزیک ناین (۱۳۵۴)			روستای شاه قریه لردگان (۱۳۵۲)		
تعداد آراء	سن	سال تولد	تعداد آراء	سن	سال تولد
50	77	1277	154	50	1302
49	81	1273	154	50	1302
41	76	1278	135	41	1311
41	49	1305	98	63	1289
37	77	1277	86	47	1305
22	50	1304	68	50	1302
14	53	1301	*	*	*
12	50	1304	*	*	*
*	12/64	میانگین سنی	*	17/50	میانگین سنی
*	72	پنج نفر اول	*	20/50	پنج نفر اول
266	*	مجموع آراء	695	*	مجموع آراء
218	*	مجموع آراء	627	*	مجموع آراء
		پنج نفر اول			پنج نفر اول

یکی از اصول مترقی انقلاب سفید اعطای حق رأی به زنان بود که با مخالفت‌های بسیاری هم

۱. لردگان و بروجن از شهرهای استان چهارمحال بختیاری می‌باشند اما در مجموعه اسناد ارشیو اصفهان قرار دارند.

بنابراین در تلاش هستیم تا ببینیم آیا مسئله اعطای این حق در لایه‌های زیرین و در سطوح پایین‌تر جامعه هم به‌کارگرفته می‌شد یا فقط به صورت یک اصل صوری در انقلاب سفید مطرح شد و حکومت در تلاش بود تا از این طریق حمایت نیمی از افراد جامعه را کسب کند. یکی از ابعاد مهمی که می‌توانست درستی یا عدم صحت این ادعای حکومت را به چالش بکشد، نهاد خانه انصاف بود، چرا که این نهاد انتخابی بود و افراد از طریق کسب رأی در حوزه خودشان برای این منصب انتخاب می‌شدند. حال سؤال اینجاست که نقش و حضور زنان در خانه‌های انصاف استان اصفهان به چه شکل و کیفیتی بوده است؟ در بررسی ۶۲۸ برگ اسناد آرشیو اصفهان که صورت جلسه انجام انتخابات بیش از ۳۰ بخش و حوزه انتخابی در آن آمده است هیچ مدرکی دال بر انتخاب زنان به عنوان کاندیدای انتخابات خانه انصاف دیده نمی‌شود، اما در انتخابات برخی مناطق به زنان حق رأی واگذار شده و در برخی مناطق زنان از حق رأی که داشته‌اند، استفاده نمی‌کردند. در اسناد مربوطه اطلاعات جامعی راجع به تعداد جمعیت روستا و تعداد رأی دهندگان در دست نیست، برای مثال در صورت جلسات خانه انصاف روستای کیماسی از توابع فریدن از ۶۶ نفری که آراء خود را به صندوق ریختند، ۳۰ نفر را زنان و ۳۶ نفر را مردان تشکیل می‌دهند (ساکما، ۰۰۷، ۰۰۶-۱۵۳۶۸-۲۹۳-۹۷). همچنین در انتخابات روستای گوهردره بخش فریدن از ۵۲ رأی، نسبت زنان به مردان ۲۳ به ۲۹ می‌باشد (ساکما، ۰۱۰ و ۰۰۹-۱۳۶۳۲-۲۹۳-۹۷).

۹. چالش‌های خانه انصاف در روستاهای اصفهان

تشکیل خانه‌های انصاف با هدف دسترسی

مواجه شد. محمدرضا شاه در کتاب *انقلاب سفید* درباره اهمیت انقلاب و لزوم حق رأی به زنان معتقد است که:

لازمه تحقق اصول این انقلاب آن است که همه افراد کشور هر چه بیشتر و کامل‌تر و عمیق‌تر با آن آشنایی یابند و آزادانه و صرفاً از روی اعتقاد و ایمان در تعمیم و اجرای این اصولی که هدف آن فقط تأمین منافع واقعی خود آنهاست شرکت جویند. در این صورت شکی نیست که مهمترین وظیفه درین باره بر عهده بانوان ایرانی است، زیرا اینانند که قبل از هر مدرسه و آموزشگاهی کار تربیت فرزندان خود و بنیان‌گذاری جامعه را بر عهده دارند (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۱۹).

مصاحب نیز در کتاب *حماسه جاویدان* در دفاع از حق رأی زنان نوشته است:

باورنکردنی است که یک مرد بیسواد حق رأی داشته باشد، اما یک بانوی ایرانی که عالی‌ترین مدارج تحصیلی را در دانشگاه‌های ایران و یا جهان طی کرده است، چنین حقی را فاقد باشد (مصاحب، ۱۳۴۶: ۱۹).

در روزنامه اطلاعات نیز راجع به رفتارندوم لویج شش‌گانه و مسئله حق رأی زنان آمده است که:

نکته جالب در اخذ رأی امروز شرکت بانوان بود. برای نخستین بار زنان موفق شدند در حوزه‌های مخصوص آراء خود را به صندوق بریزند. هر چند که آراء خانم‌ها به حساب نمی‌آید ولی زنان تهران شرکت در این مسئله اجتماعی را برای خود پیروزی بزرگی به حساب آوردند و تظاهرات پرشوری از جانب خانم‌ها در کنار صندوق‌های رأی صورت گرفت (اطلاعات ۸۰ سال، ۱۳۸۹: ۱۹۱).

البته در این منبع راجع به ادعای به حساب نیابردن رأی زنان شواهد و ادله‌ای ارائه نشده است.

راحت روستاییان به تشکیلات قضایی، هم کار دستگاه دادگستری را بسیار سبک‌تر می‌کرد و هم از اتلاف وقت و هزینه روستاییان برای احقاق حق‌شان جلوگیری به عمل می‌آورد. اجرای این اصل در مقیاس محدود، در راه تحقق این منظور، یعنی کاهش مراجعات به دادگستری در بسیاری مناطق مثبت عمل کرد و در جریان دعاوی مطرح شده در محاکم شهری، از جهت تأمین سرعت بیشتر مؤثر واقع شد. اما حصول نتیجه نهایی منوط به این مسئله بود که خانه‌های انصاف در مسیر خود به مراحل تکامل، چه از حیث کمیت و چه از نظر کیفیت، نزدیک شوند و آثار اجرای اصول جدید دادرسی و بهره‌مندی از سیستم نوین دادگستری در محدوده بزرگی که منطبق با قلمرو کلیه روستاییان کشور بود، نمایان گردد (رحمانی، ۱۳۴۶: ۲۸۰). بنابراین باید نوشت که هر چند اجرای این اصل اهداف خاصی را جهت ایجاد عدالت در میان قشر روستایی دنبال می‌کرد اما گاهی تأسیس و ایجاد این نهاد خود عامل ایجاد اختلاف بود که در این مرحله به برخی از آنها اشاره می‌شود.

معمولاً یکی از موارد مهم در روستاها، اختلاف بر سر رأی‌های مأخوذه است. در اسناد آرشیو اصفهان هم این مشکل وجود دارد؛ برای مثال اهالی روستای چادگان در عریضه‌ای که به بخشدار منطقه نوشته‌اند، نسبت به این مسئله واکنش نشان داده‌اند. خلاصه متن عریضه به این قرار است که: در جریان اخذ آراء انتخابات خانه انصاف چادگان ملاحظه گردیده آقای حاج حبیب درویشی که خود را کاندیدای عضویت در خانه انصاف معرفی نموده، با فریب افکار عمومی، با فعالیت غیرمشروع و دستکاری اوراق رأی از طریق جمع‌آوری اوراق

مزبور از دست رأی‌دهندگان نظم جلسه و جریان انتخابات را بر هم زده و پس از اعتراض، تعداد ۱۴ فقره رأی نوشته شده توسط ایشان به دست آمده که نامبرده با تظاهر ادای فریضه مذهبی آراء نوشته شده را در زیر فرش مسجد پنهان کرده است. مورد دیگر تقلب مربوط به آقای کاظم عرب است که تعداد ۴ رأی نوشته شده از ایشان ضبط گردید و حضار مراتب را به پاسگاه ژاندارمری اطلاع داده‌اند. در ادامه نامه، جهت تأیید ادعای معترضین، رئیس پاسگاه ژاندارمری و اعضای هیئت نظارت بر انتخابات آن را امضا کرده‌اند. اما بخشدار در یادداشتی که ضمیمه نامه شده، نوشته است: در ساعتی که این صورت‌مجلس تنظیم شده، اینجانب در پای صندوق رأی نشسته و افراد را کنترل می‌کردم و وقتی این افراد را از داخل حیاط مجلس به شبستان آورده‌اند، از هر دو نفر شنیدم که این آراء را برای عیالشان نوشته‌اند. همچنین بخشدار اعلام داشته که هیچ یک از دو نفر را نمی‌شناسد اما با توجه به اینکه تعدادی از آراء در زیر فرش پیدا شده، به نظر می‌رسد احتمال تقلب وجود داشته و در ادامه نامه آمده است که دو نفر به عملشان اعتراف کرده‌اند (ساکما، ۰۰۲-۲۲۱۸۳-۲۹۳-۹۷). پس از اعتراف به عمل خلاف قانون می‌بینیم که حاج حبیب درویشی در نامه‌ای خواستار عفو از بخشداری محل بوده است (ساکما، ۰۰۳-۲۲۱۸۳-۲۹۳-۹۷).

مورد اختلاف برانگیز دیگر اختلاف بین اهالی دو روستا بر سر انتخاب اعضای خانه انصاف است. مسئله به این قرار است که: اهالی روستای «شاه خان میرزا» شکایتی مبنی بر اینکه

آقای قباد رحیمی با کمک شهردار، در هنگام انتخابات خانه انصاف حتک (هتک) حرمت قانون

نموده و با کمک عده‌ای از اخلاص‌گران محل قصد دارد با آراء ساختگی، خود را به عنوان عضو خانه انصاف معرفی نماید.

این در حالی است که نامبرده دارای دو شغل است، یکی مدیر عاملی شرکت تعاونی و دیگری ریاست انجمن محلی محل. معترضین در ادامه ذکر کرده‌اند که:

ما افراد بی‌سواد و بی‌چاره که پس از انقلاب سفید شاه و مردم این امید را در دل خود وارد کرده که زمان تعدی و ظلم به حقوق مردم سپری شده و اهالی حق دارند در هر مورد افراد مورد اعتماد خودشان را معرفی نمایند. شخصی که از موقعیت خود استفاده مادی و معنوی کند و ظلم و ستم بر مردم را حرفه خود سازد، مورد اطمینان و اعتماد ما اهالی نمی‌باشد و به همین عنوان حاضر نیستیم نامبرده را به ریاست خانه انصاف معرفی نماییم و افرادی که قانون‌های زمان خان‌خانی را در حال حاضر تأیید و اجرا می‌کند، هرگز شایستگی ریاست خانه انصاف را ندارد و اگر با ریاست نامبرده موافقت شود، شالوده فساد و ناراحتی و دودستگی شدیدی ریخته می‌شود و دریای خون در دل اهالی روان می‌گردد.

در ادامه هم تقاضای رسیدگی به شکایتشان را داشته‌اند (ساکما، ۱۳۴۷-۲۹۳-۹۷). در ادامه بررسی اسناد پاسخ بخشدار لردگان به فرمانداری شهرستان بروجن جالب توجه است که در آن آمده: با توجه به تحقیقات محسوس و غیرمحسوس که در مورد انتخابات به عمل آمده، مشخص شد که انتخابات با رعایت کامل مقررات و موازین قانونی توسط نماینده بخشدار و دادرس دادگاه شهرستان بروجن انجام گرفته و چون اعتراض به نتایج انتخابات، پس از تاریخ مقرر (۴۸ ساعت پس از رأی

گیری)، بوده است اعتراض قابل قبول نیست. وی همچنین دلیل این اعتراض را مخالفت آقای حسن رضایی، که سمت کدخدایی دو مکان را در اختیار دارد، و سابقه اختلاف دیرینه وی با حائزین اکثریت آراء اعلام داشته است و این شکایت نیز به تحریک وی (حسن رضایی)، بوده و این افراد با جمع‌آوری تعدادی امضای مخدوش قصد اخلاص‌گری را داشته‌اند، بنابراین بر عهده بخشدار است که نسبت به خلع ید نامبرده از مقام کدخدایی اقدام کند (ساکما، ۱۳۴۷-۲۹۳-۹۷).

یکی دیگر از موارد چالش برانگیز، اخلاص‌گری برخی افراد در جریان انجام انتخابات خانه انصاف می‌باشد. برای مثال در اسناد یک نامه محرمانه که رونوشت گزارش بخشداری «جرقویه» در مورد اخلاص و شرارت چند نفر از اهالی «پیکان» در موقع انتخابات خانه انصاف می‌باشد، برای فرماندهی ناحیه ژاندارمری اصفهان ارسال و دستور داده شده که دقیقاً به موضوع رسیدگی و پرونده افراد جهت طرح در کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی ارسال شود (ساکما، ۱۳۴۷-۲۹۳-۹۷). در حالی که ژاندارمری اصفهان اعلام داشته که پاسگاه ژاندارمری «محمدآباد» به وضع رسیدگی و مسبب اصلی به دادرسی اصفهان تحویل گردیده‌اند (ساکما، ۱۳۴۷-۲۹۳-۹۷). ماجرا طبق صورت مجلسی که از طرف بخشدار جرقویه تنظیم شده و متصدی انجمن‌های دهات بخش جرقویه و نیز مأمور بخشداری آن را امضا نموده‌اند به قرار زیر است: اینجانبان طبق آگهی قبلی برای تشکیل انجمن عمرانی و مقدمات تشکیل خانه انصاف قریه پیکان آمدم و در مسجد محله بالا مشغول انجام وظیفه گردیدیم، پس از اخذ رأی ناگهان چند نفر بنای فحاشی را گذاردند و یکی از

باشد. سند مزبور نمونه کاملی از تلفیق موارد یاد شده است به این صورت که: آقای سید علی حسینی رئیس خانه انصاف دولت آباد در نامه‌ای، خطاب به استاندار اصفهان، اعلام داشته که آقای برومند دستجردی مدت دوسال است که با دسیسه و خان و خان بازی به سمت ریاست شهرداری دولت آباد مرکز بخش برخوار منصوب شده و نه تنها وظایف خود را انجام نمی‌دهد بلکه عامل دودستگی و نفاق در محل را فراهم نموده است. رئیس خانه انصاف در ادامه ذکر می‌کند که نامبرده به علت مصرف شیره و تریاک (ده مثقال در شبانه‌روز) وقت رسیدگی به امور شهرداری را ندارد و از طرفی به علت عدم توانایی و حضور به موقع در محل خدمت، سایر مأموران هم از وظایف خود تخطی کرده یا به امور شخصی خود یا مصرف شیره سرگرم هستند. در ادامه رئیس خانه انصاف عدم حضور مستمر شهردار در منطقه را به علت مصرف تریاک ذکر کرده و درخواست عزل وی را داشته است (ساکما، ۰۰۲-۲۸۸۶-۲۹۳-۹۷). در ادامه اوراق مشاهده می‌شود که استاندار اصفهان دستور رسیدگی به شکایت رئیس خانه انصاف را دارد (ساکما، ۰۰۱-۲۸۸۶-۲۹۳-۹۷). اما سندی که نتیجه نهایی شکایت رئیس خانه انصاف در آن مطرح شده باشد، به دست نیامد.

مورد دیگر شکایت از رئیس خانه انصاف «هورکان لنجان»، نسبت به سوءاستفاده از مقام خود به دادگستری کل اصفهان ارسال شده و در ادامه خواسته شده که پس از رسیدگی به موضوع، نتیجه به استانداری اعلام گردد (ساکما، ۰۰۲-۰۰۱-۵۴۵۹-۲۹۳-۹۷). علی‌رغم اهمیت برجسته این اوراق، اصل برگه شکایت که در آن موارد سوءاستفاده از مقام مطرح شده، در اسناد آرشیوی یافت نشد.

آنها صندوق را برداشته و به زمین کوبید و آراء موجود در آن را پاره پاره نمودند و توهین‌های شدیدی به آقای بخشدار و سایر مأمورین نمودند (ساکما، ۰۰۵-۱۵۹۶-۲۹۳-۹۷)، در اوراق دیگر از همین مجموعه اسناد به نامه محرمانه بخشدار به فرمانداری شهرستان اصفهان برخورد می‌کنیم که در آن این افراد را دارای سوابق ممتد در اخلال‌گری دانسته و به دلیل اینکه این افراد مدت‌های مدید به عناوین مختلف و ایجاد آشوب و سروصدا از تشکیل انجمن ده و خانه انصاف جلوگیری کرده‌اند و محل نظم و امنیت بوده‌اند، خواستار اقدام مقتضی در این زمینه بوده‌اند تا بتوان مبادرت به تشکیل خانه انصاف و تشکیل انجمن ده نمود. اهمیت این سند در آن است که در ادامه ذکر شده که این افراد از سال ۱۳۵۰ (از حدود ۱ سال قبل)، چندین بار از تشکیل خانه انصاف در قریه مزبور جلوگیری کرده‌اند و هر بار به علت دسته‌بندی‌ها و تهدیدهای این افراد جلسات رأی‌گیری به زدوخورد انجامیده و تعطیل شده است (ساکما، ۰۰۴-۱۵۹۶-۲۹۳-۹۷). یک مورد بسیار متفاوت و با اهمیت در این مجموعه اسناد، مربوط به درخواست خانه انصاف دولت آباد مبنی بر عزل شهردار آن منطقه می‌باشد. اهمیت این سند در آن است که برخلاف دیگر اسناد که خانه انصاف مسئول رتق و فتق امور و حل اختلاف بین روستاییان بوده، در این سند خانه انصاف خود در مقام شاکی برآمده و از استاندار اصفهان تقاضای رسیدگی به درخواست خود را داشته است. دلیل مهم‌تر برای اهمیت چنین اسنادی آن است که متوجه این امر می‌شویم که، علاوه بر بی‌مسئولیتی و عدم توان کافی برای انجام وظایف محول شده، برخی مقامات، گاهی اوقات ممکن بود تهمت و افترا مقدمه برکناری از مقام

فروش در حضورتان در اثر بیسوادی و صغیری سنی آنطور که شایسته مقام محترم می‌باشد شرط ادب به جا نیاورده و حضرتعالی هم که از بهترین افراد این مملکت و در یک خانواده بزرگ تربیت درستی وجدان و بزرگی را آموخته‌اید آن گفتار بچگانه را ترتیب اثر داده ناراحتی از او ایجاد و از او شکایت به ژاندارمری نمودید. چون جواب ابلهان خاموشی است و لیاقت طرفیت با شما را ندارد از اینرو برای حضرتعالی خیلی کم است که نام او را در کاغذ ببرید چه به اینکه با او وارد طرفیت شوید....

نویسنده نامه در ادامه خود را ضعیف و پست خطاب می‌کند و از بخشدار تقاضا دارد تا دستور دهد که پرونده خاتمه و بایگانی شود (ساکما، اصفهان، ۰۰۷-۰۵۰-۲۹۳-۹۷). در طرف دیگر ماجرا شکایت آقای حیدر مقصودی، عضو خانه انصاف، مشاهده می‌شود که ادعا کرده به او توهین شده است و درخواست رسیدگی فوری به ماجرا را داشته است (ساکما، ۰۱۱-۰۵۰-۲۹۳-۹۷). فرماندار اصفهان نیز ضمن ارسال نامه به بخشدار میمه دلیل اهانت را پرس و چو نموده است (ساکما، ۰۱۰-۰۵۰-۲۹۳-۹۷). بخشدار میمه در پاسخ به نامه فرماندار اصفهان اعلام داشت:

سند توهین به عضوی از خانه انصاف صورتی نداشته بلکه او طی نامه‌ای نسبت به اینجانب حین انجام وظیفه توهین نموده که مراتب طی نامه‌ای به اطلاع ژاندارمری میمه رسیده است و مراتب پس از رسیدگی عیناً از نظر عالی خواهد گذشت" (ساکما، ۰۱۳-۰۵۰-۲۹۳-۹۷).

در ادامه ماجرا به نامه‌ای که از طرف بخشدار میمه به فرمانداری شهرستان اصفهان ارسال شده، برخورد می‌کنیم و در آن مشاهده می‌کنیم که بخشدار در تلاش برای خاتمه دادن به ماجرا است. مضمون

مورد جنجالی و پیچیده دیگر در اسناد آرشیوی اصفهان به فحاشی نمودن بخشدار به عضوی از خانه انصاف «میمه» به دلیل درج خبر عدم بهداشت در منطقه می‌باشد. ماجرا از این قرار است که: عزت‌الله مقصودی فرزند حیدر مقصودی از اعضای خانه انصاف نامه‌ای با این مضمون در تاریخ ۳۰ / ۹ / ۱۳۴۵ به بخشدار میمه نوشته است که

اینجانب خبرنگار روزنامه اطلاعات در میمه به عرض جنابعالی می‌رسانم که بخشدار باید کار خود را انجام دهد و بنده از این تاریخ به بعد اگر شما در مسافرت باشید هم گزارشی تلگرافی را در روزنامه اطلاعات چاپ خواهم کرد و شما چند روز پیش دوباب گرمابه محل را به مدت ۱۵ روز بسته تا آن را تبدیل به دوشی نمایید. بنده نمیدانم که چه حسابی است که بعد از این مدت باز هم حمام بدون دوش باز شده است و وضع اهالی محل را در خطر انداخته است و بنده طی یک نامه مفصل به اداره بهداشت اصفهان می‌نویسم که این چه علتی داشت که گرمابه محل بسته شد تا پس از مرمت و تبدیل آن به گرمابه دوشی مجدداً افتتاح گردد و باز هم مدت کوتاهی باز شد و همان‌طور که بود باز هم هست (ساکما، ۰۰۵-۰۵۰-۲۹۳-۹۷).

در تاریخ ۱ / ۱۰ / ۱۳۴۵ بخشدار میمه آقای مجتهدی به دلیل توهین نویسنده نامه به خود در حین انجام وظیفه خواستار رسیدگی فوری به مسئله بوده و ضمناً دستور ابطال کارت خبرنگاری نامبرده را نیز صادر کرده است (ساکما، ۰۰۶-۰۵۰-۲۹۳-۹۷). در تاریخ ۱۸ / ۱۰ / ۱۳۴۵ نامه‌ای از طرف حسینعلی قرقایی در مقام وساطت به بخشدار ارسال شده که مضمون نامه اینچنین است:

با کمال تأسف به طوری که بنده اطلاع حاصل نمودم عزت‌الله مقصودی فرزند حیدر روزنامه

نامه به این قرار است:

چندی پیش در روزنامه اطلاعات خبری تحت عنوان شهر بدون حمام از قول خبرنگار خود در میمه چاپ شده بود و ضمن آن نوشته بود که به دستور مقامات مسئول تمام حمام‌های شهر بسته شده که پس از مرمت باز شود و دو حمام دیگر کماکان باز بوده و مردم از آن استفاده می‌کردند و برای حفظ حیثیت شهرداری و بخشداری صلاح در آن دیدم که خبر فوق را تکذیب کنم و تکذیب خبر نیز چاپ شد. روز بعد از چاپ تکذیب خبر از طرف خبرنگار روزنامه اطلاعات در میمه شرحی توهین‌دار به بخشدار نوشته شد که آن شرح و نماینده روزنامه اطلاعات را به جرم توهین به بخشدار حین انجام وظیفه به ژاندارمری میمه فرستادم. اما بالاخره معلوم شد که نماینده اطلاعات آن نامه را نوشته، بلکه از جانب پسر وی که صغیر می‌باشد و روزنامه‌فروشی می‌کند نوشته شده است. پدر وی که خبرنگار روزنامه اطلاعات در میمه می‌باشد نسبت به این جریان پوزش و عذرخواهی نموده است و چون نویسنده نامه پسر بچه بوده و به حد کافی تنبیه شده و پدر وی نیز عذرخواهی نموده، لذا دستور رفع تعقیب به پاسگاه ژاندارمری میمه از طرف بخشداری داده شده است (ساکما، ۹۷-۲۹۳-۵۵۰-۰۰۱).

در ادامه به اسنادی برخورد می‌کنیم که پدر نویسنده خاطی، تقاضای عفو از بخشدار را داشته است (ساکما، ۹۷-۲۹۳-۵۵۰-۰۰۳). سرانجام پس از نامه‌نگاری‌های بسیار، ژاندارمری میمه دستور توقف تعقیب عزت‌الله مقصودی را به بخشدار میمه ابلاغ نموده است (ساکما، ۹۷-۲۹۳-۵۵۰-۰۰۵).

۱۰. نتیجه

تأسیس خانه‌های انصاف در اصل نهم انقلاب

سفید تجلی یافت. اهمیت این اصل، از نظر حکومت، به اندازه‌ای بود که از آن به عنوان تجلی دموکراسی یاد شده است. از آنجا که در دوره پهلوی تأسیس دادگاه‌های رسمی در سطح روستاها از لحاظ اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نبود، تشکیل خانه‌های انصاف در سطح روستاها می‌توانست اختلافات جزئی میان اهالی روستا را، در سریع‌ترین زمان ممکن، حل و فصل نماید. این نهاد قضایی زمانی به ساختار روستاهای کشور وارد شد که نظام ارباب‌رعیتی، در نتیجه اصلاحات ارضی، تاحدی برچیده و از قدرت خان‌های محلی کاسته شده بود، بنابراین مردم روستا که به تازگی از سیطره افراد بانفوذ محلی آزاد شده بودند، با این نهاد تعامل برقرار ساخته و از آن به عنوان محلی برای احقاق حق‌شان بهره گرفتند تا جایی که افراد روستا خواهان تشکیل خانه انصاف مستقل در روستای خودشان بودند و، طبق بررسی اسنادی، حضور افراد در انتخابات هم مؤید این ادعاست؛ چرا که در هیچ‌یک از اسناد آرشیو اصفهان از عدم شرکت اهالی در انتخابات سخنی به میان نیامده و حداقل در سال‌های آغازین طرح این نهاد روند مثبتی را طی کرده است. در بررسی اسنادی نهاد خانه انصاف اصفهان به

این نکته مهم برمی‌خوریم که، علی‌رغم اعطای حق رأی به زنان پس از انقلاب سفید، به دلیل فرهنگ بومی و عرف جامعه ایران همواره نهاد قضاوت در اختیار مردان بوده و زنان هیچ‌گاه به‌عنوان کاندید، در انتخابات خانه انصاف شرکت نداشتند. البته در برخی روستاها زنان در کنار مردان در انتخابات حضور مؤثری داشتند، اما متأسفانه در برخی مناطق زنان امکان حضور در انتخابات خانه انصاف را نداشتند. بنابراین می‌توان گفت که با وجود اعطای حق رأی

تبدیل می‌شد و قادر بود تمامیت جامعه روستا را حفظ نماید.

منابع

اطلاعات ۱۰ سال (۱۳۸۹). صاحب امتیاز: مؤسسه اطلاعات و شرکت ایران چاپ. نظارت: جلال رفیع. معاونت: حمیدرضا زاهدی. شرکت ایران چاپ. مؤسسه اطلاعات. جلد اول (از سال ۱۳۰۴-۱۳۵۷). چاپ چهارم.

امین، حسن (۱۳۸۲). تاریخ حقوق ایران. بی‌جا: دایرةالمعارف ایرانشناسی.

امین، سیدحسن (۱۳۸۲). «نظام قضایی ایران از آغاز قاجار تا انقلاب مشروطیت»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۹. ص ۲۹-۷۲.

بدیع، علی (بی‌تا). ششم بهمن و ثمرات آن. بی‌جا: انتشارات مستند.

بنی‌هاشم، محمود (هورپاس) (۱۳۴۳). انقلاب سپید شاهنشاه (شرح لوایح قانونی شش‌گانه و تشکیل سپاه‌های بهداشت و ترویج و آبادانی). چاپ دوم. تهران.

پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۵). انقلاب سفید. بی‌جا: چاپخانه بانک ملی ایران.

پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۹). پاسخ به تاریخ. ترجمه شهریار ماکان. تهران: شهرآشوب.

حافظ‌نیا، محمدرضا؛ پارسایی، اسماعیل؛ حسن‌پور پویان، رضا (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی تأثیر نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر مشارکت شهروند (مطالعه موردی خانه انصاف و شورای دآوری)». پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۷. پاییز. ص ۱۴۵-۱۶۴.

حسینی جیلانی، محسن (۱۳۶۲). خانه انصاف و تأثیر اجتماعی آن در ایران. پایان نامه دوره تخصصی فوق لیسانس. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مؤسسه

به زنان، حکومت نیز الزامی برای شرکت زنان در انتخابات نمی‌دید و تمام این مسائل به شرایط و ساختار روستاها بستگی داشت. این نهاد قضایی تازه تأسیس، از همان آغاز، با مجموعه‌ای از مشکلات روبه‌رو بود که با گذشت زمان تأثیرات نامطلوبی برجای گذاشت. از جمله این تأثیرات: انتخاب اعضا با نظارت دولت و تأیید بخشداری، فرمانداری، استانداری و در نهایت وزارت کشور بود؛ که این مسئله نه تنها بر پیچیدگی سازوکار بوروکراسی اداری تأثیر نامطلوبی داشت و کار دستگاه‌های اجرایی را دوچندان می‌کرد، بلکه نظارت دولت بر روستاها را نیز افزایش داد؛ چرا که صلاحیت افراد انتخاب شده باید از جانب حکومت و دستگاه‌های اجرایی تأیید می‌شد. وجود دسته‌بندی‌ها و اختلافات میان طوایف یک روستا و تهمت و افترا به افراد انتخابی مانع از آن بود که خانه انصاف عملکرد مطلوبی داشته باشد و افراد انتخاب شده قادر به انجام وظایف‌شان باشند. گاهی هم افراد منتخب درصدد سوء استفاده از جایگاهشان بودند که با اعتراض اهالی روستا مواجه می‌شدند. بنابراین تمام موارد ذکر شده می‌توانست بر عدم کارایی این نهاد اثرگذار باشد، به‌همین دلیل بود که این نهاد، علی‌رغم به‌کارگیری اصول مترقیانه در تصویب و اجرای آن در جامعه روستایی و تعامل مثبت مردم با آن، تاحدی ناکارآمد شد و دلیل اصلی آن عدم شناخت دقیق حکومت از ساختار روستایی کشور، توجه بیش از حد به شایعات، تهمت و افترا و برقراری جو امنیتی در روستاها بود. به‌نظر می‌رسد اگر دولت در جهت رفع مشکلات مذکور اقدام می‌کرد، این نهاد که توانسته بود اعتماد روستاییان را جلب کند، به یک نهاد قضایی با کارایی مثبت در روستاهای ایران

- مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. دمنن، دونالد آر (۲۵۳۵ شاهنشاهی). چشم انداز پادشاه. ترجمه محمود صاحب. تهران: آیندگان: مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- رحمانی، ابوالقاسم (۱۳۴۶). انقلاب سفید در سیمای میهن (راهنمای سپاهیان انقلاب). تهران: شرکت نسبی کانون کتاب.
- روزنامه راه نجات، سال چهل و هفتم. سه شنبه ۲۱ آبان ۱۳۴۲.
- روزنامه کیهان. شماره ۵۸۸۷. شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۴۱.
- زرنگ، محمد (۱۳۸۱). تحول نظام قضایی ایران (از سقوط رضاشاه تا تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۲۰-۱۳۷۳). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران) ارجاع به صورت پرونده:
- ساکما (Sakma) ۹۷-۲۹۳-۵۴۵۹.
- ساکما (Sakma) ۹۷-۲۹۳-۵۵۰.
- ساکما (Sakma) ۹۷-۲۹۳-۱۱۴۹۳.
- ساکما (Sakma) ۹۷-۲۹۳-۱۳۶۳۲.
- ساکما (Sakma) ۹۷-۲۹۳-۱۵۳۶۸.
- ساکما (Sakma) ۹۷-۲۹۳-۱۵۹۶.
- ساکما (Sakma) ۹۷-۲۹۳-۱۷۵.
- ساکما (Sakma) ۹۷-۲۹۳-۲۲۱۸۳.
- ساکما (Sakma) ۹۷-۲۹۳-۲۴۷۳۷.
- ساکما (Sakma) ۹۷-۲۹۳-۲۸۸۶.
- ساکما (Sakma) ۹۷-۲۹۳-۹۹۶۸.
- شهلا، مهدی (بی تا). مجله کانون وکلا. بی جا. ۶۷-۷۶.
- صادق نوبری، حمید (۱۳۴۷). «سخنی درباره گسترش خانه‌های انصاف در سطح روستاها». کانون وکلاء آذربایجان، خرداد. ش ۶. ص ۱۰۸-۱۱۴.
- طباطبایی، محمدحیث (۱۳۵۰). تاریخ دادگستری در ایران. تهران: وحید.
- فلور، ویلم، امین بنانی (۱۳۹۰). نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی. ترجمه حسن زندیه. بی جا: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- کاظمی، محمد (۱۳۵۱). انقلاب شاه و ملت از دیدگاه فلسفی. چاپخانه ارتش شاهنشاهی.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۷). ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. بی جا: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، آن کاترین سواين فورد. (۱۳۹۴). اصلاحات ارضی در ایران ۴۵-۱۳۴۰. ترجمه مهدی اسحاقیان. تهران: امیرکبیر.
- مجله حقوقی مردم، شماره‌های ۲۹ و ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۵۱.
- مجله قضایی، شماره ۳۳، آذرماه ۱۳۴۷.
- مجلس شورای ملی، قوانین دوره قانون‌گذاری بیست و یکم، ۱۴ مهرماه ۱۳۴۲ تا ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴، روز یکشنبه، ۲۲ فروردین ماه ۱۳۴۴.
- مجموعه مصوبات ادوار اول و دوم قانون‌گذاری. مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، یکشنبه ۲۱ صفر ۱۳۴۰/ق ۲۰ مهر ۱۳۰۰ ش.
- مصاحب، شمس‌الملوک (۱۳۴۶). حماسه جاویدان (یادبود جشن فرخنده تاج‌گذاری اعلیحضرت محمدرضا پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران و علیا حضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران). بی جا.
- ملکم، جان (۱۳۶۲). تاریخ ایران. ترجمه اسمعیل حیرت. بی جا: کتابفروشی سعدی.
- مهدوی، مسعود (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۱). تاریخ بیداری ایرانیان. به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: آگاه.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۷). نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار. تهران: معین.